

هشام مطر

روایت بازگشت

پدران، پسران و سرزمینی که آنها را از هم جدا می‌کرد

ترجمه مراد - قیقی



انتشارات نیلوفر

سرشناسه	مطر، هشام، ۱۹۷۰ م. Matar, Hisham
عنوان و نام پدید آور	روایت بازگشت: پدران، پسران و سرزمینی که آنها را از هم جدا می کرد / هشام مطر؛ ترجمه مزده دقیقی.
مشخصات نشر	تهران: نیلوفر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۲۵۶ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ م.م.
شابک	978-964-448-785-9
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	عنوان اصلی: The return: fathers, sons, and the land in between.
عنوان دیگر	بازگشت: پدران، پسران و سرزمین مابین شان.
موضوع	مطر، هشام، ۱۹۷۰ م. - سفرها - لیبی.
موضوع	Matar, Hisham - Travel - Libya
موضوع	نویسندگان آمریکایی - سرگذشتنامه
موضوع	Authors, American - Biography
موضوع	Fathers and sons و پدران و پسران
شناسه افزوده	دقیقی، مزده، ۱۳۳۵ - مترجم
رده بندی رکره	R
رده بندی دیویی	۱۰۷ ب ۹۲/۶۲۹ / ۸۲۳
شماره کتابشناسی می	۹۲۵۸



انتشارات نیلوفر خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

هشام مطر

روایت بازگشت

ترجمه مزده دقیقی

حروفچینی: شبستری

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

چاپ گلبان

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

فروش اینترنتی: www.behanbook.ir



فهرست

۷	پیش‌گفتار مترجم
۱۳	۱. دریچه
۲۷	۲. کت و شلوار سیاه
۴۰	۳. دریا
۴۷	۴. سرزمین
۵۱	۵. بلوطه
۶۳	۶. شعرها
۷۴	۷. سلامتی؟ خانواده چطورند؟
۷۹	۸. آتش‌ریس و نارنگی
۸۸	۹. پیرمرد و پسرش
۹۷	۱۰. پرچم
۱۰۴	۱۱. آخرین نور
۱۱۵	۱۲. بنغازی
۱۲۶	۱۳. زندگی دیگر
۱۳۴	۱۴. گلوله
۱۵۷	۱۵. ما کسیمیلیان
۱۷۳	۱۶. کمپین

۱۸۶	۱۷. پسر دیکتاتور
۲۰۷	۱۸. ادب و نزاکت لاشخورها
۲۱۳	۱۹. سخنرانی
۲۲۳	۲۰. سال‌ها
۲۳۷	۲۱. استخوان‌ها
۲۵۲	۲۲. ایوان

www.ketab.ir

پیشگفتار مترجم

روایت بازگشت رانمی توان تنها زندگی نامه به شمار آورد؛ این کتاب به مراتب از خاطره نویسی رانتر است؛ حکایت تبعید است و تسلی یافتن در هنر، تحلیل استبداد است، تاریخ به خانوادگی است، تصویر کشوری است که با انقلاب دست و پنجه نرم می کند، رانیک سوگواری پر شور است. سفر به لیبی، پس از ۳۳ سال زندگی در تبعید، کیز هشام مطر برای نوشتن روایت بازگشت شد. بازگشت به سرزمین نیادان ریافتن رابطه های قدیمی و بنا کردن رابطه های جدید، در خلال جست و جوی پدر، به ناپدید شده. جاب الله مطر، پدر هشام، را زمانی ربودند که او نوزده سال داشت و در اردنستان تحصیل می کرد. جاب الله از مهم ترین مخالفان قذافی در تبعید بود. هشام مطر دیگر هرگز پدرش را ندید، ولی امید به زنده بودن او را هرگز از دست نداد.

بیست و دو سال بعد، پس از سرنگون شدن حکومت قذافی، سلول های زندان خالی است و از جاب الله مطر اثری نیست. هشام همراه مادر و همسرش به سرزمینی بازمی گردد که گمان نمی کرد دیگر هرگز بتواند به خاکش قدم بگذارد. روایت بازگشت شرح این سفر است. تأمل منحصر به فردی است در تاریخ و سیاست و هنر، تصویری درخشان از سرزمین و مردمی در مرز تغییر است، و شرح اندوهباری از میراث به جامانده از حکومتی خودکامه. در معنای زندگی بدون پدری که بتوان بر او خشم گرفت کندوکاو می کند، و به تحلیل وضعیت انتظار همیشگی و مبارزه با احساس گناه، بلا تکلیفی و ناپایداری می پردازد.

جست و جوی بی ثمر هشام مطربه دنبال پدر در دوره کوتاه امید در لیبی پس از انقلاب و سرنگونی قذافی جریان دارد. خاطرات او به همین روزهای خوش پس از انقلاب لیبی در بهار ۲۰۱۲ مربوط می شود، به فرصت کوتاه میان حکومت دیکتاتوری قذافی و جنگ داخلی که لیبی اکنون در آتش آن می سوزد. در این روزهای پرامید، هر اتفاقی ممکن است و تقریباً همه هم زمان از خوش بینی و بیم نسبت به آینده سخن می گویند.

دری ترژیک روزگار در روایت بازگشت همین است. همه برنامه ها برای بنا کردن لیبی جدید و باثبات، و آرزوهای کوچک مردم عادی که هشام مطرب با آنها ملاقات می کند، در سایه فاجعه ای قرار می گیرد که نویسنده و خواننده هر دو می دانند به راه درخشان اهدا داد. تمام کشور روی لبه تیغ است. تا کمتر از دو سال دیگر، خیابان های شهرهای بزرگ لیبی به صحنه جنگ تبدیل می شود و از ساختمان ها تنها اسخت های سه خته و خالی برج های ماند.

امروز شرایط در لیبی چنان دشوار است که بسیاری از مردم، در آرزوی ثبات، حسرت دوران قذافی را می خورند. اما نباید فراموش کرد که وضعیت امروز لیبی تا حد زیادی نتیجه ۴۲ سال دیکتاتوری هو اناک قذافی است. شرایط امروز این کشور به مراتب از آرمان های انقلاب به و انعت نزدیک تر است. بسیاری از اعراب معتقدند بهار عربی دردسری بود که به وضعیت به پیش نمی ارزید. منطقه تکه تکه شده است؛ از یک سو یمن در آتش جنگی خانمان سوز می سوزد، از سوی دیگر کابوس سوریه خواب از چشم اهالی جهان ربو است. این نظر ریشه در تفکری دارد که بر اساس آن اعراب سزاوار شرایط بهتری نخواهند داشت. وضعیت امروز لیبی به شرایط گذشته و دوران قذافی بسیار وابسته است. زمان را نمی توان به عقب برگرداند. آنها که سرنگون کردن قذافی را محکوم می کنند، چشم بر واقعیت ها درباره شرایط کنونی لیبی می بندند.

قذافی، مانند همه دیکتاتور ها، از نویسندگان می ترسید و روایت های شان را رقیبی برای روایت خود می دانست. در ۱۹۷۷، یک جشنواره ادبی ترتیب داد و همه کسانی را که در آن شرکت کردند دستگیر کرد. می گویند بعد از سقوط

حکومتش تنها در بنگازی بیش از ۱۵۰ روزنامه منتشر می‌شد. روایت بازگشت یک یادآوری جسورانه است؛ انکار هنرمندانه دروغ‌ها و حذف‌های رسمی حکومت قذافی است. با این حال، هشام مطر به هیچ وجه انقلابی نیست. در مقام نویسنده، به رازهای زندگی خانوادگی بیشتر علاقه نشان می‌دهد تا امور انتزاعی سیاست. کتابش مطالعه ریشه‌ها و روابط است نه تحلیل انقلاب و وضعیت سیاسی یا اعلام استقلال از پدر یا کشورش. اهمیت روایت بازگشت، با همه فجایع انسانی و پس‌زمینه سیاسی غریبش، در این است که داستانی مشترک را زرم‌گوید، داستان پسرانی در هر کجا که پدران خود را از دست داده‌اند، همان‌گونه که به پسران سرانجام پدران خود را از دست خواهند داد.

تصور می‌کنیم که رجب‌الله مطر از خلال روایت پسرش - از تکه‌های خاطرات شخصی و خاطرات کسانی که با او در زندان بوده‌اند - شکل می‌گیرد، به لحاظ عفت و پاکدامنی رزم‌آورده، ترس‌آور است. او نمونه یک مخالف منضبط است: سازش‌ناپذیر در برابر برادران قدرت، سخاوتمند نسبت به رفقا، کسی که در مقابل نامالایمات سرخ‌پوشی‌ها برهنه است پدر همچنان نامعلوم است. هشام مطر در روایت بازگشت به قطعیتی در این زمینه نمی‌رسد. این کتاب بیشتر فرصتی است برای کندوکاو در مجموعه پسران حیده‌ای از رویدادها که طیف وسیعی از احساسات و عواطف انسانی را درگیر می‌کند. داستان جست‌وجوی پدر به راهی برای بازگفتن داستان لیبی تبدیل می‌شود. حریم‌های جانکاه امید و ناامیدی در تاریخ این کشور بارها تکرار شده است. پس از دتای قذافی در ۱۹۶۹، رجب‌الله مطر همراه با گروهی از افسران عالی‌رتبه ارتش چند ماهی به زندان افتاد، ولی همچنان امیدوار بود که حکومت جدید جامعه مدرنی بنا خواهد کرد تا جانشین نظام سلطنتی کوتاه‌فکری شود که پس از استعمار بی‌رحمانه ایتالیا بر لیبی حاکم شده بود. قساوت قذافی به عزت نفس مردم لیبی به شدت آسیب رساند، ولی انقلاب فوریه ۲۰۱۱ به نسل جدیدی امید بخشید.

روایت بازگشت، درواقع، درباره سیاست نیست. حتی درباره آخرین نفس‌های حکومت قذافی هم نیست. کتابی است درباره خانواده و از دست دادن

و عشق. اثری غیر داستانی است که انسان‌های دیگر در آن اهمیت زیادی دارند. هشام مطر در روایت خود از شهادت‌های دیگران استفاده می‌کند، از رویدادهای تاریخی‌ای که بر آنها اثر گذاشته‌اند پرده برمی‌دارد، و خود همچنان سخت تحت تأثیر وقایعی است که زندگی او و خانواده‌اش را دگرگون کرده است. دست سرنوشت او را از بازگشت به سرزمینش بازداشته، پدرش ناپدید شده، اعضای خانواده‌اش به زندان افتاده‌اند، دوستانش کشته شده‌اند. مجموعه این حوادث او را از یاد آوردن، انگار دارد غرق می‌شود.

کتاب ساختار پیچیده‌ای دارد؛ پیوسته در زمان جلو و عقب می‌رود، مانند موجی یورش می‌آورد و عقب می‌نشیند. مطر، مثل همه ما، زندگی‌اش را با سنجۀ لحظه‌های مهم ارزیابی می‌کند. ولی آنجا که زندگی‌های معمولی را با تولد و ازدواج و مرگ پس از مرگ، طولانی می‌سنجند، شاخص‌های سال‌های زندگی او رویدادهایی مانند تبعید ربوده شدن پدرش، و کشتار قریب به ۱۲۷۰ نفر در زندان مخوف ابوسلیم است.

ذهن ناآرام مطر در ساختار پراکند، کتاب بازتاب می‌یابد که، غالباً در هر فصل، میان شهرها و دوره‌های مختلف به نر می‌در رفت و آمد است و تاریخ لیبی را با حکایت‌های خانوادگی، خاطرات را با شواهد راقعیات می‌آمیزد. خواننده ناگزیر است خود روایت خطی رویدادها را در میان این نظم ظاهری پیدا کند و تنها زمانی که کتاب پیش می‌رود، درمی‌یابد که این نظم ساخته و پرداخته نویسنده است و پاره‌های داستانی و خرده روایت‌ها بخش از کل منسجمی را تشکیل می‌دهند که به سرانجام پرکشش کتاب منتهی می‌شود.

هشام مطر خواسته و ناخواسته گرفتار تبعید شده است، اما آنچه تحمل این تبعید را دشوارتر و پیوند او را با سرزمینش ناگسستنی‌تر می‌کند ترازوی ناپدید شدن پدرش است. سایه گذشته بر سراسر زندگی‌اش سنگینی می‌کند. نمی‌تواند این گذشته تلخ را پشت سر بگذارد و به آینده بنگرد. تجربه‌های گذشته، خانواده، کشور و پدرش افکار، احساسات، حالات روحی و در مجموع جهان او را ساخته است. این تجربه‌ها او را به شبکه پنهانی متصل می‌کند که همه ما را به هم پیوند می‌دهد.

هشام مطر در کتاب‌هایش اغلب از عناصری از نقاشی، معماری و موسیقی استفاده می‌کند. مضامین فقدان و تبعید در آثارش تکرار می‌شود. تاریخچه خانوادگی آکنده از درد و رنج او در رمان‌هایش نیز بازتاب یافته است. در هر دو رمان مطر، پدرِ قهرمان داستان مخالفی است که ناپدید می‌شود. در کشور مردان از نگاه یک کودک به حکومت دیکتاتوری لیبی است؛ و محور رمانِ آناتومی یک ناپدید شدن نیز ربوده شدن پدر و درد و رنج پسر اوست. روایت بازگشت اما حکایتی پخته‌تر از هر دوی این رمان‌ها دارد. از دایرهٔ خانوادهٔ کوچک نویسنده بیرون می‌آید و حکایت برادرها، عموها و پسرعموها را نیز بازمی‌گوید که برخی از آنها از حکایت جاب‌الله هولناک‌تر و وحشت‌انگیزتر است. مهارت مطر در جمله‌پردازی و داستان‌گویی، آمیخته به جزئیاتی که روایت می‌کند یا به‌خاطر می‌آورد، به‌خوبی اثر خود را خالص‌تر کرده است. هشام مطر، هنگام نوشتن روایت بازگشت، خود را را با رمان می‌کشد تا آنچه را که بر سر پدرش آمده مجسم کند، و خشمی را که همچون «رودخانه‌ای سموم» در وجودش جاری است، آرام کند. آنچه در داستان هیجان‌انگیز است، در این کتاب، چون حقیقت دارد، ترسناک است. از آن ترس ساطع می‌شود، نه هیجان.

هشام مطر نویسندهٔ بریتانیایی-لیبایی زادهٔ نیروبرک است. پدرش جاب‌الله مطر، پس از آنکه قذافی در ۱۹۶۹ با کودتایی زمام حکومت را به دست گرفت، ناگزیر به ترک لیبی شد و در ۱۹۷۰ که هشام به دنیا آمد، در هیئت نمایندگی لیبی در سازمان ملل کار می‌کرد. در ۱۹۷۳ همراه خانواده به طرابلس بازگشت، ولی در ۱۹۷۹ همگی بار دیگر از لیبی گریختند. هنگامی که به قاهره رفتند، هشام نه سال داشت و تحصیلش را در مدرسهٔ آمریکایی قاهره ادامه داد. در طول سال‌های تبعید در قاهره، پدر هشام با صراحت بیشتری از حکومت قذافی انتقاد می‌کرد. هشام در ۱۹۸۶ برای ادامهٔ تحصیل به انگلستان رفت و پس از پایان دبیرستان تصمیم گرفت تحصیلاتش را در رشتهٔ معماری در لندن ادامه دهد. در ۱۹۹۰ هنوز در لندن به دانشگاه می‌رفت که پدرش جاب‌الله را در قاهره ربودند.

هشام مطر دو رمان و یک زندگی نامه نوشته، و یک کتاب کودکان که به زبان ایتالیایی منتشر شده است. نوشتن نخستین رمانش، در کشور مردان، را در اوایل سال ۲۰۰۰ شروع کرد. در پاییز ۲۰۰۵، انتشارات پنگوئن برای انتشار دو کتاب با او قرارداد بست. در کشور مردان در ژوئیه ۲۰۰۶ منتشر شد و به ۳۰ زبان ترجمه شده است. دومین رمانش، آناتومی یک ناپدید شدن، در سال ۲۰۱۱ منتشر شد.

هشام مطر از نویسندگان خوش اقبالی است که کارش از ابتدا مورد توجه و تحسین کتابخوان ها و منتقدان بوده است. نخستین رمانش، در کشور مردان، تا فهرست نهایی جایزه من-بوکر پیش رفت، و چندین جایزه از جمله جایزه کتاب اول گاردین، بر آن خرد کرد. آناتومی یک ناپدید شدن هم نامزد چند جایزه شد و شیکاگو تایمز، ایندپندنت، گاردین، تلگراف و تورنتو استار آن را در شمار بهترین کتاب های سال ۲۰۱۱ قرار دادند. روایت بازگشت جایزه پولیتزر سال ۲۰۱۷ را در بخش زندگی نامه با زندگی نامه خودنوشت به دست آورد. در همین سال، برنده جایزه جین استاین در انجمن قلم امریکا و جایزه فولیو هم شد و به فهرست نهایی جایزه انجمن ملی منتقدان کتاب امریکا در بخش زندگی نامه خودنوشت راه یافت. این کتاب در اسبیا، آلمان، فرانسه و انگلستان نیز جوایزی به دست آورده و یکی از ده کتاب برتر نیویورک تایمز در سال ۲۰۱۶ بوده است.